

کاربست مفهوم آرامش در خانه‌های معاصر کرمان

(فهم ابعاد مختلف شکل‌گیری آرامش در دو الگوی آپارتمانی و مستقل حیاط دار)^۱

مطهره اسلامی محمودآبادی*، یعقوب پیوسته‌گر**، علی اکبر حیدری***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی - ۹۵-۱۱۲

چکیده

مسکن به عنوان فضایی برای سکنی‌گری و زندگی، همواره از ابتدای تاریخ تاکنون یکی از اولین فضاهایی بوده که انسان با آن سروکار داشته و ویژگی‌های این بنا و به خصوص فضای داخلی آن به سبب ارتباط مستقیمی که در ساعات طولانی از روز با انسان دارد از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. آرامش یکی از اساسی‌ترین نیازهای روحی و روانی هر فرد است. انسان‌ها معمولاً بیشتر وقت خود را در خانه سپری می‌کنند و از این رو به دنبال یافتن آرامش در خانه و استراحت جسم و روح خویش در این مکان هستند. با توجه به همین موضوع معماری با القای حس آرامش و سکون در فضای داخلی خانه می‌تواند کمک زیادی در ایجاد آرامش داشته باشد. بر همین اساس در این پژوهش، هدف، ارزیابی چگونگی نمودپذیری آرامش در دو الگوی رایج خانه‌های معاصر شامل خانه‌های آپارتمانی و خانه‌های مستقل حیاطدار و شناسایی الگوی موفق در این زمینه می‌باشد. در پژوهش حاضر، ابتدا با استفاده از روش کیفی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته و سپس با استفاده از آزمون تی استیودنت دو نمونه‌ای به تحلیل آنها می‌پردازیم. که در مرحله نخست، از طریق مصاحبه با ساکنین خانه‌ها، عوامل ایجادکننده آرامش استخراج می‌شود. عواملی که بیشترین اشاره به آنها در مصاحبه‌ها صورت گرفته است به عنوان عوامل ایجادکننده آرامش دسته‌بندی شده‌اند، طبق نظریه راپاپورت (۲۰۰۵) عوامل مستخرج به عنوان معانی سطح بالا، قابلیت‌های محیطی، معانی سطح میانه و ویژگی‌های فضایی به عنوان معنای سطح پایین در زنجیره معنایی هستند. ویژگی‌های فضایی از طریق مصاحبه، تدوین پرسشنامه و مشاهده به صورت رفت و برگشتی استخراج شد و ویژگی‌هایی که از نظر ساکنین دارای اهمیت بالاتری بودند به عنوان ویژگی‌های فضایی معرفی شدند. قابلیت‌های محیطی (معانی سطح میانه) از طریق تناظر بین الگوهای رفتاری رایج در هر یک از فضاها و خصوصیات کالبدی آن فضا در هر کدام از الگوهای رایج مسکن کرمان (خانه‌های مستقل حیاطدار و آپارتمانی) در گستره زمانی یکساله بررسی و سپس با مقایسه زنجیره‌های معنایی به دست آمده میزان نمودپذیری آرامش در دو الگوی مورد مطالعه استخراج شد. این پژوهش در نهایت به این نتیجه دست یافت که معنای سطح بالای آرامش در الگوی خانه‌های مستقل حیاطدار بیش از الگوی آپارتمانی نمود می‌یابد که این امر نیز متأثر از تنوع ویژگی‌های فضایی و قابلیت‌های محیطی است که در الگوی خانه نسبت به گونه آپارتمانی وجود دارد.

واژگان کلیدی: آرامش، خانه، الگوی آپارتمانی، الگوی مستقل حیاطدار، کرمان

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «کاربست مفهوم آرامش در خانه‌های معاصر بر مبنای الگوپذیری مسکن سنتی کرمان» است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در سال «۱۴۰۰» در «دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج» در حال انجام است.

* motahareheslami@yu.ac.ir

** دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

peyvastehgar@yu.ac.ir

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

Aliakbar_heidari@yu.ac.ir

*** استادیار گروه معماری، دانشگاه یاسوج، ایران



مقدمه

خانه مبدأ و مقصد زندگی روزمره انسان است. انسان‌ها برای کار و فعالیت اجتماعی از آن خارج می‌شوند و پس از انجام کار و کسب و تجربه مجدد به خانه برمی‌گردند. اهمیت این موضوع به حدی است که بسیاری خانه را مرکز دنیای فرد معرفی کرده‌اند (Moore et al, 1974) و از آن به عنوان بلافصل‌ترین فضایی یاد کرده‌اند که مرتبط با آدمی است و به‌طور روزمره بر او تأثیر می‌گذارد (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸).

انسان‌ها در طول روز جهت کسب و کار از خانه خارج می‌شوند و در محیط شلوغ و پر آشوب جامعه، به انجام فعالیت‌های مختلف می‌پردازند. اما پس از اتمام مشغله و جدال‌های مختلف اجتماعی، به فضایی جهت آرامش، استراحت و تجدید قوا نیاز دارند. لذا خانه مناسب‌ترین فضایی است که این امکان را برای افراد فراهم آورده و آنها را از هیاهوی روزمره بدور می‌دارد. بنابراین می‌توان چنین پنداشت که معنای آرامش، یکی از مهمترین معانی است که ساکنین یک خانه از آن انتظار دارند و فضایی که این امکان را برای آنها فراهم آورد، مکانی مطلوب برای زندگی آنها شناخته می‌شود. اهمیت این موضوع به حدی است که خداوند نیز در قرآن کریم، یکی از مهمترین کارکردهای خانه را آرامش‌بخش بودن آن معرفی کرده و می‌فرماید: *وَ اللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا*؛ و خداوند برای شما خانه‌هایتان را محل سکونت و آرامش‌تان قرار داد (نحل، آیه ۸۰). تاکنون پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با ابعاد مختلف مرتبط با خانه به انجام رسیده است و در اکثر آنها نیز موضوع آرامش تنها به عنوان یکی از کارکردهای خانه معرفی شده است؛ این در حالی است که پرداختن به این موضوع که چه عواملی می‌تواند باعث ایجاد آرامش و یا مخل آن در یک خانه شود و یا اینکه آرامش در خانه خود تابع چه شرایطی

است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس پژوهش حاضر ضمن بررسی این موضوع به صورت نظری، با انجام یک پیمایش میدانی در میان خانه‌هایی از دو الگوی رایج در مسکن شهری معاصر (الگوی آپارتمانی و الگوی مستقل حیاطدار) با هدف استخراج و تحلیل مجموعه عوامل مؤثر در ایجاد سطوح مختلف معنای آرامش در خانه شکل گرفت. لذا پرسش‌هایی که این پژوهش در پی پاسخ به آنها است به این شرح قابل تبیین است:

۱. خصوصیات کالبدی مسکن چگونه می‌تواند به ایجاد آرامش در افراد کمک کند؟
۲. آرامش در کدام یک از الگوهای مسکن نمود بیشتری پیدا می‌کند؟

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

در این بخش پس از بررسی مفهوم آرامش از منظر علوم روانشناسی، به تحلیل وجوه مختلف نمودپذیری آن در معماری خانه پرداخته می‌شود.

مفهوم آرامش

آرامش در لغت به معانی چون آرمیدن، آسایش یافتن، سکون، طمانینه، خواب کوتاه و سبک، فراغت، صلح و آشتی معرفی شده است. آرامش اسم مصدر از آرمیدن است که در لغت به معنای حالتی نفسانی همراه با آسودگی و ثبات است و در اصطلاح در برابر اضطراب و دلهره به کار میرود (دهخدا، ۱۳۷۷). به تعبیر دیگر حالتی است که در آن نگرانی، اضطراب، خشم و ناراحتی وجود ندارد (اشرف صادقی، ۱۳۹۲). فرهنگ معین نیز آرامش را آرمیدن، فراغت، راحتی، آسایش، طمانینه، سکینه، صلح، آشتی، امنیت و سکون معنا کرده است (معین، ۱۳۸۸).

روانشناسان تعریف‌های گوناگونی درباره آرامش ارائه نموده‌اند؛ زیرا در روانشناسی نوین، آرامش عمدتاً به معنای آرامش «روان»

مطرح می‌شود که موضوع دانش روانشناسی است و مفهوم آن در مکاتب روانشناسی دچار تحولاتی شده است (ویس کریمی، ۱۳۸۹). از این رو همواره برای تعریف آرامش یا از مفاهیم ایجابی مانند بهداشت روانی، سلامت روانی و بهنجاری و یا از مفاهیم سلبی مانند اضطراب، استرس، فشارهای روانی و غیره استفاده می‌کنند. برخی از تعاریف ارائه شده در این خصوص عبارتند از: آرامش حاصل هیجان‌های همخوان با هدف است که عموماً مثبت هستند و در مقابل اضطراب، ریشه در هیجان‌های ناهمخوان باهدف دارد که به طور کلی منفی‌اند (فرانکل، ۱۳۷۸)؛ آرامش حس مثبتی است که از حس رضایت‌مندی و پیروزی به دست می‌آید (مارشال، ۱۳۹۸). آرامش روانی یعنی آرامش در واکنش رفتاری (بهشتی‌پور، ۱۳۸۴).

هرکدام از این معانی به جوهی از مفهوم آرامش اشاره دارند ولی هیچکدام مفهوم جامع و کاملی از آرامش ارائه نمی‌دهند. با این حال به نظر می‌رسد که آرامش یک حس درونی است که نوع شخصیت، رفتار، ویژگی‌های فردی و هویتی در نوع نگرش به چیستی و چگونگی آن مؤثر هستند و به همین دلیل است که یک تعریف ساده برای آن وجود ندارد (جوشن، ۱۳۹۰).

بشر به طور طبیعی در طول زندگی در این جهان، با نگرانی‌ها و اضطراب‌های بسیاری رو در رو بوده و همواره برای فایده آمدن بر آنها کوشیده است. یکی از اهداف پیدایش مجموعه بزرگ اختراعات و اکتشافات بشر، گرایش به دین، مذهب، هنر، آداب و رسوم و... دست‌یابی به آرامش و آسایش در زندگی بوده است (جوشن، ۱۳۹۰).

از دیدگاه روانشناسی، مازلو نیازهای انسان را به دو گروه نیازهای اولیه و نیازهای ثانویه تقسیم کرده است. نیازهای اولیه انسان را به چهار گروه نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای امنیتی، نیاز به محبت و نیاز به عزت نفس و نیازهای

ثانویه را به سه گروه شناختی و ادراکی، نیاز به زیبایی و نیاز به خودشکوفایی تقسیم کرده است. وی معتقد است که وقتی نیازهای اولیه مرتفع شدند، نیازهای ثانویه مطرح می‌شوند. بنابراین در جایی که نیازهای فیزیولوژیکی و اولیه انسان تأمین نشود، رفتارهای حیوانی از خود بروز می‌دهد. اما با کمی تأمل در این موضوع روشن می‌شود که آرامش همچون نیازهای غریزی یا نیازهای اولیه نیست که تا زمانی که تأمین شوند، علاقه‌ای به تلاش بیشتر برای تأمین آن صورت نگیرد. این در حالی است که با تأمین نیازهای فطری و نیازهای ثانویه نیز رضایت خاطر و آرامش درونی برای فرد ایجاد می‌شود. در واقع آرامش را می‌توان احساس خوشایند درونی، رضایت خاطر و آسودگی خیال دانست که در مراتب مختلف به انسان دست می‌دهد. هرچه این احساس ماندگارتر باشد، اثری عمیق‌تر در روح و روان انسان خواهد گذاشت (جوشن، ۱۳۹۰).

بررسی نظریات در باب عوامل

تأثیرگذار بر ایجاد آرامش در معماری

محرابیان (۱۹۸۷) عنوان نموده است که محیط را می‌توان بر حسب میزان اطلاعاتی که در اختیار می‌گذارد، توصیف نمود که وی آن را بار محیط می‌نامد. بنابراین محیط دارای بار بالا، محیطی است که مقدار زیادی اطلاعات حسی ارائه می‌نماید. وی معتقد است سه ویژگی در بار محیطی دخالت دارند: شدت، تازگی و پیچیدگی (Mehrabian, 1987). از دیدگاه کاپلان و کاپلان چهار عامل، واکنش‌های ما را به محیط تعیین می‌کنند: انسجام، خوانایی، پیچیدگی و راز‌گونگی (Kaplan & Kaplan, 1989). در مطالعه دیگری ایوانس و مک کوی پنج گروه عوامل طراحی محیطی را شامل تحریک، انسجام، قابلیت‌های محیطی، کنترل و بازسازی ذهنی عنوان می‌نماید که عدم رعایت موازنه در

مؤلفه‌های آنان به کاهش و یا افزایش فشار روانی می‌انجامد (Evans&McCoy, 1998) در مطالعه دیگری ایوانس به بررسی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم عوامل مربوط به محیط ساخته شده بر سلامت روان می‌پردازد (Evans, 2003) بنا بر عقیده ایوانس (Evans, 2003) آن دسته از ویژگی‌های محیط ساخته شده که به طور مستقیم بر سلامت روان تأثیر می‌گذارد عبارتند از ازدحام، آلودگی صوتی، کیفیت هوا و میزان نور. علاوه بر تأثیرات مستقیم، تغییرات در روند روانی-اجتماعی، که تبعات شناخته شده روان شناختی دارند نیز، می‌تواند به طور غیر مستقیم بر سلامت روانی انسان اثر بگذارد. به عنوان مثال تراکم بالا در محیط‌های مسکونی، به تقلیل حمایت‌های اجتماعی افراد می‌انجامد. تقلیل حمایت‌های اجتماعی نیز، به نوبه خود در ماندگی روان شناختی را افزایش می‌دهد.

کریستوفر دی در سال ۲۰۰۲ کتابی تحت عنوان روح و مکان نوشته است. در این کتاب دی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر حس آرامش در محیط‌های معماری پرداخته است. به طور خلاصه در این کتاب مهم‌ترین عوامل، حواس انسان، نور، مصالح، بافت، رنگ، سکوت و غیره نام برده شده است (Day, 2002) در کتاب دیگری از کریستوفر دی، تحت عنوان معماری و طراحی با طبیعت، در مورد ارتباط انسان با

طبیعت و انسان صحبت می‌کند و از طبیعت به عنوان عاملی شفافبخش برای انسان یاد می‌کند. همچنین در این کتاب حواس انسان را عاملی بسیار مهم در درک محیط بشمار آورده است و عواطف و احساسات انسان نسبت به محیط را وابسته به حواس انسان می‌داند (Day, 2004).

کارول ونولیا در سال ۱۹۸۸ کتابی تحت عنوان محیط شفا بخش نوشته است و مهم‌ترین عوامل را در ایجاد آرامش در فضای معماری بررسی نموده است. در این کتاب طبیعت و شفافبخشی و تأثیر آن بر روح و جسم انسان‌ها مورد بحث قرار گرفته است. از مهم‌ترین عوامل آرامش بخش دیگر می‌توان به رنگ، نور، سکوت، بافت، دمای محیط و .. اشاره کرد (Venoli, 1988) بنا بر نظر گری ایوانس که به بررسی تأثیر مستقیم و یا غیر مستقیم عوامل مربوط به محیط ساخته شده بر سلامت روان پرداخته است، برخی از ویژگی‌های محیط ساخته شده بر سلامت روان اثر گذارند. علاوه بر تأثیرات مستقیم، تغییرات در روند روانی و اجتماعی، که تبعات شناخته شده روانشناختی دارند نیز، می‌تواند به طور غیر مستقیم بر سلامت روانی انسان اثر بگذارد (Evans, 2003) با توجه به پژوهش‌های فوق می‌توان عوامل آرامش بخش در معماری را به دو دسته کلی عوامل فیزیکی و عوامل روانی تقسیم‌بندی نمود (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱: دسته‌بندی عوامل ایجاد کننده آرامش در معماری

روانشناسان محیطی	سال	عوامل فیزیکی آرامش بخش محیط											عوامل روانی آرامش بخش محیط			
		نور	صدا	مصالح	بافت	حواس	رنگ	طبیعت	سکوت	خواب	حریم خصوصی	فضای شخصی	اهمیت	دانشجویی	تعلق	
فروم	۱۹۴۷							*								
محرابیان	۱۹۷۴		*													
نیومن	۱۹۷۴												*			

روانشناسان محیطی	سال	عوامل فیزیکی آرامش بخش محیط											عوامل روانی آرامش بخش محیط			
		بهره	دما	مصالح	بافت	حواس	رنگ	طبیعت	سکونت	خلوت	حریم خصوصی	فضای شخصی	امنیت	دلبستگی	تعلق	
آلتمن	۱۹۷۵											*	*	*		
لوشر	۱۹۷۹						*									
بل	۱۹۸۲		*													
گرین	۱۹۸۲		*													
کاپلان	۱۹۸۲						*									
کرپیک	۱۹۸۳	*														
براون	۱۹۸۵											*	*	*	*	*
ورنر	۱۹۸۵											*	*	*	*	*
ونولیا	۱۹۸۸	*	*			*						*				
ویتچ	۱۹۹۱	*														
لنگ	۱۹۹۴	*	*	*			*	*								
مک کوی	۱۹۹۸	*									*	*				
دی	۲۰۰۲	*		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
هاویلند	۲۰۰۳						*									
ایوانس	۲۰۰۳	*	*				*	*			*	*				
مارتین	۲۰۰۴						*									

خانه

مقوله خانه گسترده و پیچیده است و ابعاد متنوعی دارد و امروزه به عنوان مکانی فیزیکی و سرپناه، که نیاز اولیه و اساسی انسان مانند خواب، خوراک، استراحت و حفاظت در برابر شرایط جوی را فراهم می‌آورد و از لحاظ روانی نیز اطمینان خاطر درونی در شخص بوجود می‌آورد. با عوض شدن شیوه زندگی مفهوم و مصداق (واحد مسکونی) و (اسکان) جای (خانه) و (سکونت) را گرفته‌اند. در اینجا پنج تعریف از خانه ارائه شده است: ۱- خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و اندرون خانه یا جایی که زن و بچه زندگی می‌کنند می‌بایست تنوع

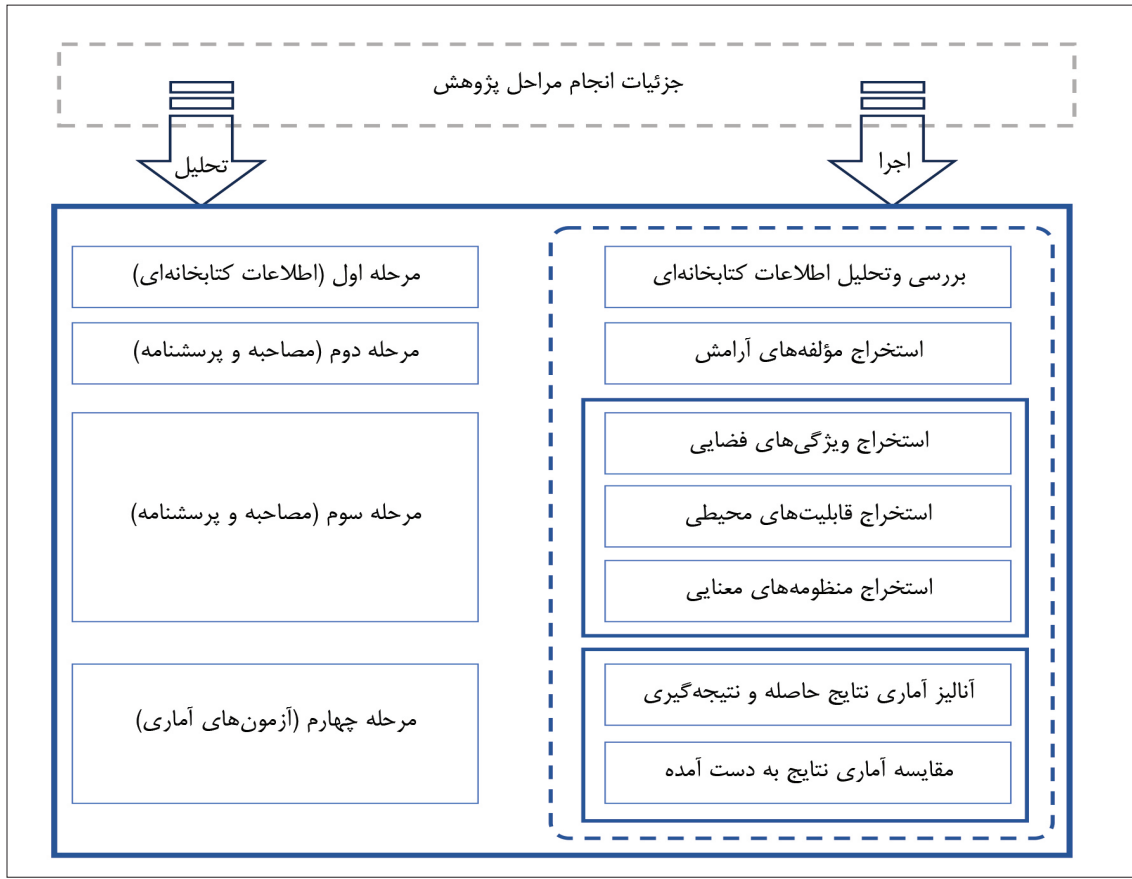
زیادی داشته باشد تا خستگی احساس نشود. ۲- خانه پوششی است که در تطابق برخی از شرایط رابطه صحیحی را بین محیط خارج و پدیده‌های زیستی انسان برقرار می‌سازد. در خانه باید یک فرد و یا خانواده زندگی کنند، یعنی اینکه بخواهد راه برود، دراز بکشد، بینند و فکر کنند. ۳- خانه مرکز جهان است برای ساکنانش و برای محله اش شاخص ترین بنا در تحکیم مکان. ۴- خانه در درجه اول یک نهاد است و یک سازه و این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده ای بوجود آمده است. از آنجا که احداث یک خانه پدیده ای فرهنگی است. شکل و سازمان فضائی آن به شدت تحت تاثیر فرهنگی است که به آن بستگی دارد.

حتی در آن زمان نیز که خانه برای بشر اولیه بعنوان سرپناه مطرح بود، مفهوم عملکرد تنها در فایده صرف یا عملکرد محض خلاصه نمی‌شود. وجه سرپناهی خانه بعنوان وظیفه ضمنی، ضروری و انفعالی مطرح بود. و نکته مثبت مفهوم خانه ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی خانواده به مثابه واحد اجتماعی بود. ۵- از میان فضاهای پیرامونی، خانه بلافصل ترین فضای مرتبط آدمی است، به طور روزمره از او تأثیر می‌گیرد و بر او تأثیر می‌گذارد. اولین فضائی است که آدمی احساس تعلق فضائی را در آن تجربه می‌کند و مجموعه حواس پنجگانه سرتاسر آن را طی می‌کند و در مدت کوتاهی بدان خو می‌گیرد. خانه تنها مکانی است که اولین تجربه‌های بی واسطه با فضا، در انزوا و جمع در آن صورت می‌گیرد و خلوت با خود، همسر و فرزندان یا دوست یا دیگران، همه و همه بی تعرض غیر در آن ممکن می‌گردد (آصفی و همکاران، ۱۳۹۵).

روش تحقیق

با توجه به هدف عنوان شده، این پژوهش در ادامه قصد دارد اشکال نمود-پذیری این سطوح از آرامش را در دو الگوی خانه‌های آپارتمانی و مستقل حیاطدار (به عنوان دو الگوی رایج سکونت در شهرهای معاصر کشور) در شهر کرمان مورد ارزیابی قرار دهد. بنابراین در بخش میدانی، در پی بررسی مجموعه عواملی است که در این دو الگو باعث ایجاد سطوح مختلف آرامش می‌شوند. از سویی با

توجه به اینکه در این پژوهش مفهوم آرامش تحت عنوان یک «معنای سطح بالا» در خانه مد نظر قرار گرفته است، لذا نمودپذیری آن هم تابع ویژگی‌های فضایی محیط و هم تابع نظام‌های فعالیتی و الگوهای رفتاری جاری در آن است (حیدری، ۱۳۹۳). بر همین اساس در مرحله اول با بررسی و تحلیل اطلاعات کتابخانه‌ای و همچنین با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه از ساکنین این خانه‌ها مؤلفه‌های ایجاد آرامش استخراج می‌شوند. در مرحله بعد با استفاده از مشاهده، تدوین پرسشنامه و مصاحبه ویژگی‌های فضایی خانه‌ها که از دید ساکنان از اهمیت بالاتری برخوردار بود، استخراج و به عنوان معنای سطح پایین در نظر گرفته می‌شود. هدف از انجام اینکار تشکیل زنجیره‌های معنایی برای رسیدن به معنای سطح بالا (طبق نظریه ساختار معنای راپاپورت) است که در این تحقیق عوامل ایجاد کننده آرامش که در مرحله اول استخراج شد به معنای سطح بالا در نظر گرفته می‌شود. در این زنجیره معنای سطح میانه قابلیت‌های محیطی است که از تقابل الگوهای رفتاری و خصوصیات کالبدی محیط به دست می‌آید. بعد از انجام مراحل فوق با استفاده از آزمون تی دو نمونه ای، نتایج حاصل از پژوهش تحلیل و نمود هر یک از عوامل استخراج شده در هر دو الگوی خانه بررسی شد. فرایند انجام تحقیق در بخش میدانی در تصویر شماره ۱ قابل مشاهده می‌باشد.



تصویر شماره ۱- جزئیات مراحل انجام پژوهش

معرفی حجم نمونه

نمونه‌های مورد بررسی در این پژوهش، دو الگوی رایج مسکن شهری شامل واحدهای آپارتمانی و خانه‌های مستقل حیاطدار در دو محله بهمنیار و الهیه شهر کرمان در سال ۱۴۰۰ هستند که الگوی غالب در محله بهمنیار، خانه‌های مستقل حیاطدار و الگوی غالب در محله الهیه به صورت خانه‌های آپارتمانی است. ساکنین این دو محله از نظر سطح اجتماعی و وضعیت اقتصادی در شرایطی مشابه بوده و همگی جز طبقه متوسط شهری به شمار می‌روند. منظور از مسکن آپارتمانی در این تحقیق، یک ساختمان چند طبقه (۴ طبقه روی پارکینگ) است که در یک پلاک شهری مستقل با مساحت ۲۵۰ تا ۳۰۰ متر مربع بنا شده و در هر طبقه یک یا دو واحد

مجزا ساخته شده است. خانه‌های مستقل حیاطدار نیز الگوهایی با قدمت ۲۰ تا ۳۰ ساله هستند که در قطعاتی به مساحت ۲۷۰ تا ۳۵۰ متر ساخته شده‌اند. در این الگو که بنا در ۶۰٪ زمین احداث شده است، از دو طرف به حیاط منتهی می‌شود و کلیت بنا در اختیار یک خانواده تک هسته‌ای قرار دارد. بنا به بررسی‌های به عمل آمده از محل آرشيو معاونت شهرسازی شهرداری منطقه ۲ شهر کرمان، مشخص شد که متوسط مساحت زیربنای خانه‌های مستقل حیاطدار در محله بهمنیار ۱۵۶ متر مربع و متوسط زیربنای خانه‌های آپارتمانی در محله الهیه، ۱۱۵ متر مربع می‌باشد. این مقادیر که از بررسی حدود ۳۰ نقشه در هر محله به دست آمد، داده‌هایی در ارتباط با متوسط مساحت

هرکدام از ریزفضاهای موجود در الگوهای مورد بررسی به دست آورد که در جدول

شماره ۲ ارائه شده است:

جدول شماره ۲- متوسط مساحت ریزفضاهای موجود در الگوی خانه‌های آپارتمانی و مستقل حیاط‌دار در دو محله بهمنیار و الهیه شهر کرمان (منبع: معاونت شهرسازی شهرداری کرمان، ۱۳۹۹)

سرویس‌های بهداشتی	تراس	خواب	پذیرایی	نشیمن (هال)	آشپزخانه	حیاط	زیربنای کل	
۱۱	۲۲	۳۲	۳۸	۲۶	۲۷	۱۱۰	۱۵۶	متوسط مساحت در خانه‌های مستقل حیاط‌دار
۱۰	۵	۳۵	۴۴	-	۲۱	۸۰	۱۱۵	متوسط مساحت در خانه‌های آپارتمانی

جامعه آماری در این تحقیق شامل ۵۷۰ نفر از ساکنین دو منطقه بهمنیار و الهیه شهر کرمان هستند در گروه‌های مختلف سنی و جنسیتی به صورت تصادفی انتخاب شدند. هر مصاحبه به طور متوسط بین ۱۵ تا ۲۰ دقیقه به طول می‌انجامد و در هر خانواده از دو یا سه نفر از ساکنین، مصاحبه به عمل آمد. متن مصاحبه در سه بخش تنظیم شد که در بخش اول ویژگی‌های دموگرافیک و مشخصات ساکنان از نظر جنسیت، سن، معیشت و .. مورد پرسش قرار می‌گرفت. بخش دوم در قالب دو جدول تنظیم شد که در جدول اول نام فضاها و در جدول دوم لیستی از فعالیت‌های جاری در هر فضا استخراج گردید. بخش سوم که بخش اصلی مصاحبه است، در واقع عقاید و نگرش افراد در ارتباط با هر فضا در نظام فضایی خانه مورد پرسش قرار گرفته است. این موضوع تحت عنوان معانی فضایی ثبت گردید. مراحل مذکور در یک فرایند سلسله مراتبی و بر اساس مدل نرده‌بانی در

امتداد یکدیگر قرار گرفت و در نهایت به منظومه معنایی تحقیق منجر شد.

تجزیه تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

در این بخش، فرایند تحقیق به صورت مرحله‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

استخراج عوامل ایجاد کننده آرامش

هدف اصلی پژوهش حاضر درک مفهوم آرامش در خانه است. برای رسیدن به این مهم در ابتدا باید دانست چه چیزی باعث ایجاد آرامش می‌شود ولی از آنجا که آرامش نسبی است و بسته به شرایط و افراد متفاوت است در ابتدا از جامعه مورد پژوهش در خصوص عوامل ایجاد آرامش در خانه سوال شد. سوال‌ها به گونه‌ای طراحی گردید که صرفاً در خصوص خانه پرسیده شود. برای این منظور ابتدا نتایج حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای در فصل دوم گردآوری شده و عوامل ایجاد آرامش از دیدگاه روانشناسی، آرامش و اسلام استخراج شد که در جدول شماره ۳ به صورت خلاصه به آن اشاره شده است.

جدول شماره ۳: استخراج عوامل ایجاد کننده آرامش از بررسی ادبیات تحقیق

عوامل ایجاد کننده آرامش	
آرامش در روانشناسی	آرامش یک امر کاملاً نسبی است و با توجه به شرایط مکانی، زمانی، روش زندگی و فرهنگ مردم تغییر می‌کند.
آرامش در معماری	نور، رنگ، دما، ارتباط با طبیعت، مصالح، بافت، حواس، سکوت، خلوت، حریم خصوصی، فضای شخصی، امنیت، دل بستگی، تعلق خاطر
آرامش در اسلام	استراحت، پاکیزگی، خانواده، یاد خدا، ارتباط با انمه، خوردن غذاهای سالم

از میانی نظری در فصل دوم عنوانی که با ماهیت آنها ارتباط داشت پیشنهاد شد. برای اطمینان حاصل پیدا کردن از دسته‌بندی مصاحبه‌ها مجدداً پرسشنامه‌ای طراحی شد (جدول شماره ۴) و از ساکنان در خصوص ۹ مؤلفه و ۴۴ زیر مجموعه آن سوال شد که کدام مؤلفه‌ها از نظر آنها با عامل پیشنهادی در ارتباط است و با توجه به نتایج به دست آمده عنوان پیشنهادی مؤلفه‌ها مورد تایید قرار گرفت.

با توجه به عوامل اکتشافی از فصل دوم پرسشنامه‌ای برای انجام مصاحبه با ۷۳ سوال طراحی شده و سوالات با نظرخواهی از افراد مجرب و متخصص و متناسب با موضوع تحقیق و اطلاعات مورد نیاز تنظیم شد. در نهایت بعد از انجام مصاحبه بیشترین پاسخ‌های که به سوالات داده شد گردآوری گردید و همه پاسخ‌هایی که دارای ماهیت یکسانی بودند دسته‌بندی شدند و برای هر دسته‌بندی با توجه به عوامل استخراج شده

جدول شماره ۴: طبقه‌بندی مفاهیم ایجاد کننده آرامش در خانه

عنوان پیشنهادی	مؤلفه‌ها	درصد	فراوانی
آسایش جسمی	پاکیزگی و نظافت خانه	۲۵	۱۴۳
	داشتن فضای اختصاصی برای شستن و پهن کردن لباس	۱۰/۱۸	۶۰
	اهمیت اندازه خانه	۱۱/۱۱	۶۱
	اهمیت نورگیری فضای خانه	۱۲	۶۶
	اهمیت پنجره‌های خانه	۱۱/۵۰	۶۴
	تهویه مناسب خانه	۱۴/۸۱	۸۰
	نظم و چیدمان خانه	۱۲/۹۸	۷۴
مؤلفه مد نظر نوشته نشده است	۳/۷۰	۲۲	
	جمع کل	۱۰۰	۵۷۰
منزلت اجتماعی	فراهم بودن شرایط گذراندن اوقات فراغت با دوستان و آشنایان در خانه	۲۳/۱۴	۱۳۶
	احساس رضایت از فضای خانه در مهمانداری	۱۲/۰۳	۶۹
	فراهم بودن شرایط خانه برای استفاده از مناسبت‌ها (مانند مناسبت مذهبی و سنتی و..)	۱۶/۶۶	۹۲
	فضا و مساحت خانه	۱۹/۴۴	۱۱۲
	چیدمان خانه	۲۳/۱۴	۱۳۲
مؤلفه مد نظر نوشته نشده است	۵/۵۵	۲۹	
	جمع کل	۱۰۰	۵۷۰
ارتباط با خانواده	مساحت و نوع خانه مناسب برای ارتباط با خانواده	۱۳/۸۸	۸۰
	فضای مناسب برای بازی با بچه‌ها	۲۶/۸۵	۱۵۴
	مساحت و طراحی مناسب برای ایجاد فضای دلنشین برای دورهمی	۲۱/۰۷	۱۲۰
	اتاق اختصاصی برای ساکنان	۱۱/۱۱	۶۳
	فضای مناسب برای گذراندن اوقات فراغت	۱۱/۸۸	۶۸
	ایجاد حس راحتی برای افراد خانه و امکان انجام فعالیت‌های مورد علاقه افراد در خانه	۱۳/۳۶	۷۵
مؤلفه مد نظر ذکر نشده است	۱/۸۵	۱۰	
	جمع کل	۱۰۰	۵۷۰

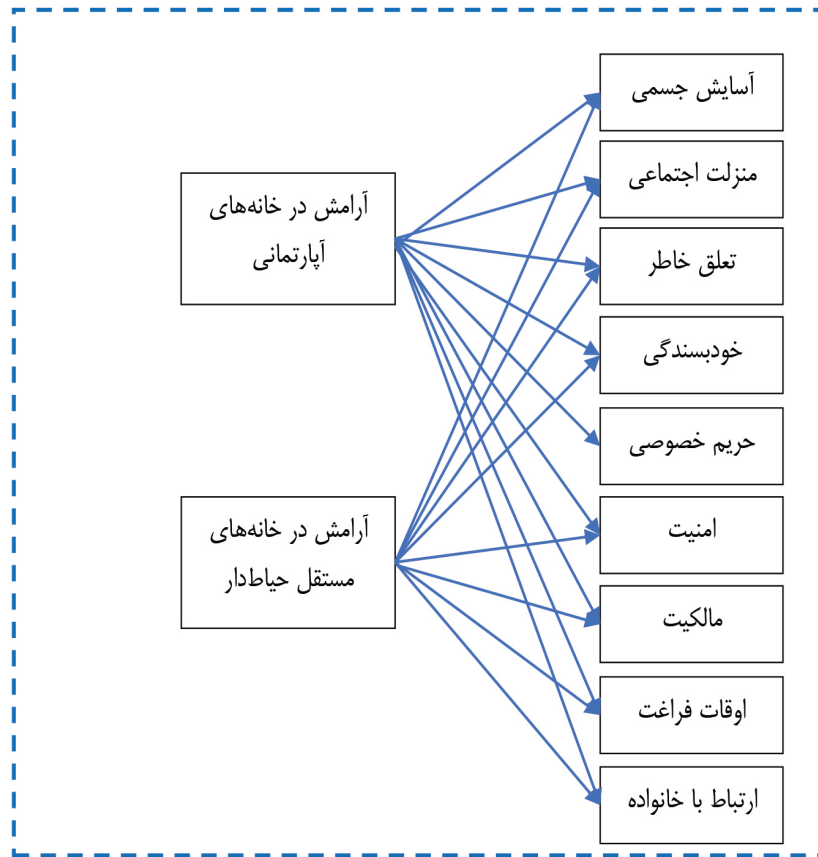
عنوان پیشنهادی	مؤلفه‌ها	درصد	فراوانی
خودبسندهی (مسائل اقتصادی)	نیاز کمتر به خرید وسایل	۳۱/۴۸	۱۸۰
	امکان کاشت گل و گیاه در خانه	۱۸/۵۱	۱۰۵
	امکان کاشت سبزی و درخت میوه در باغچه	۲۰/۳۷	۱۱۶
	امکان استفاده از فضاها برای مشاغل خانگی	۲۵/۳۹	۱۴۵
	مؤلفه مد نظر ذکر نشده است	۴/۲۵	۲۴
	جمع کل	۱۰۰	۵۷۰
امنیت	امکان تنها گذاشتن فرزندان و سالمندان در خانه	۱۲/۹۸	۷۴
	وجود پارکینگ محصور	۱۱/۱۱	۶۴
	اطمینان از امنیت خانه	۱۶/۶۶	۹۶
	ایجاد حفاظ برای پنجره‌ها	۱۴/۸۱	۸۵
	عدم امکان ورود سارقین	۲۵/۹۲	۱۴۴
	حفظ حریم خصوصی	۷/۴۰	۴۳
	جداسازی فضاهای شخصی از لحاظ بصری و فیزیکی	۸/۴۸	۴۹
	مؤلفه مد نظر ذکر نشده است	۲/۶۲	۱۵
	جمع کل	۱۰۰	۵۷۰
حریم خصوصی	عدم ایجاد مزاحمت در زمان خلوت کردن	۲۶/۸۵	۱۵۳
	امکان حفظ حریم در خانه	۱۲/۹۸	۷۴
	عدم امکان دید به آشپزخانه در زمان مهمانی	۱۱/۱۱	۶۴
	ایجاد محرمانگی در فضای داخلی خانه	۱۲/۲۱	۷۱
	امکان کنترل ورود و خروج افراد خانواده	۱۰	۵۷
	امکان کنترل ورود و خروج افراد غریبه به خانه	۲۳/۱۴	۱۳۱
	مؤلفه مد نظر ذکر نشده است	۳/۶	۲۰
	جمع کل	۱۰۰	۵۷۰
مالکیت	سروسامان دادن به وضعیت خانه و حیاط	۵۲/۷۷	۳۰۰
	امکان حفظ امنیت خانه	۴۰/۷۴	۲۳۳
	مؤلفه مد نظر ذکر نشده است	۶/۴۸	۳۷
	جمع کل	۱۰۰	۵۷۰
اوقات فراغت	امکان گذراندن وقت با بچه‌ها	۲۷/۷۷	۱۵۹
	وجود فضاهای سرگرم کننده در خانه	۲۵	۱۴۳
	ایجاد حس لذت از گذراندن وقت بیکاری در خانه	۱۶/۶۶	۹۵
	امکان انجام کارهای مورد علاقه در خانه	۱۴/۸۱	۸۵
	عدم احساس کسالت در خانه	۱۱/۱۱	۶۴
	مؤلفه مد نظر ذکر نشده است	۴/۶۲	۲۴
	جمع کل	۱۰۰	۵۷۰
تعلق خاطر	علاقه به مصالح سنتی به کار رفته در خانه	۱۷/۵۹	۱۰۱
	علاقه به المان‌های سنتی	۲۳/۱۴	۱۳۱
	علاقه به چیدمان مبلمان داخلی و قدیمی خانه	۱۹/۴۴	۱۱۰
	امکان مرور خاطرات در خانه	۳۷/۰۳	۲۱۲
	مؤلفه مد نظر ذکر نشده است	۲/۷۷	۱۶
	جمع کل	۱۰۰	۵۷۰

لذا با توجه به نتایج نهایی ۹ مؤلفه «آسایش جسمی، منزلت اجتماعی، ارتباط با خانواده، خودبسندهی، امنیت، حریم خصوصی، مالکیت، اوقات فراغت و تعلق خاطر» به عنوان مؤلفه‌های ایجاد آرامش در خانه استخراج

با توجه به فراوانی ارزشهای حاصل از پرسشنامه می‌توان عوامل پیشنهادی و مؤلفه‌های آنها را تایید کرد از مؤلفه‌های به دست آمده برای کدگذاری در مراحل آزمون استفاده می‌شود.

مورد پژوهش به صورت تصویر ۲ ترسیم شد.

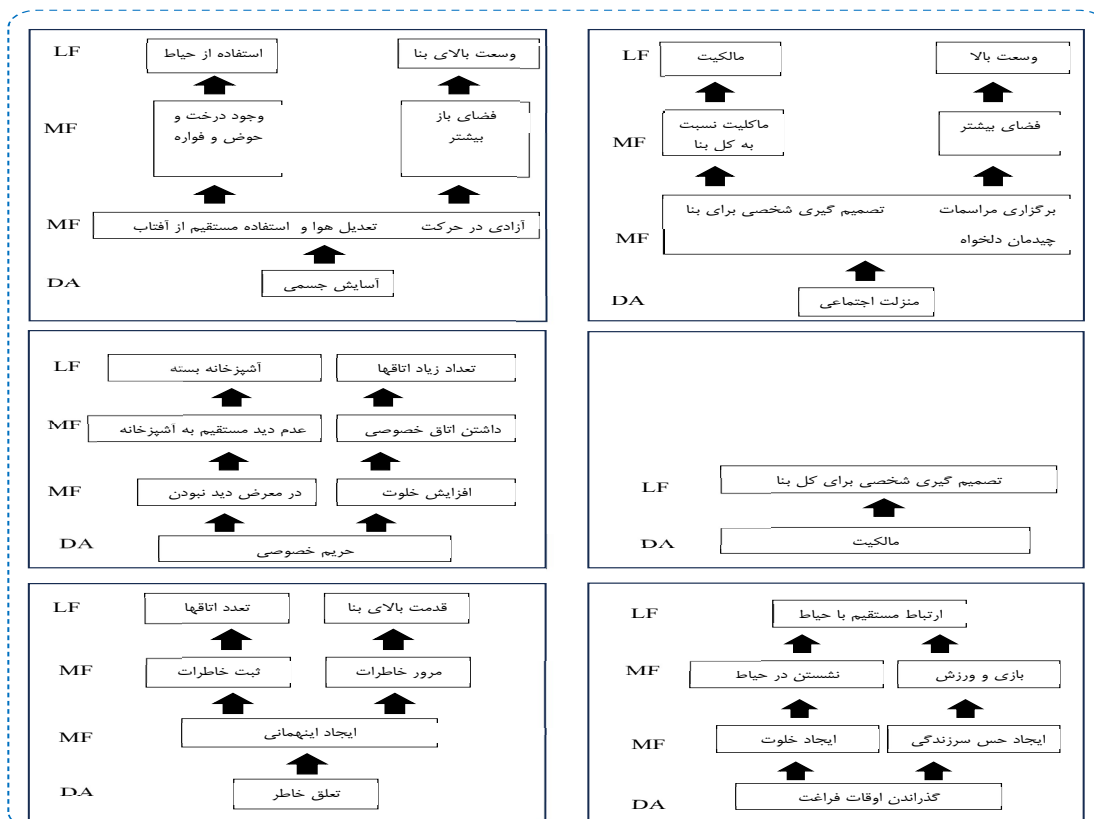
شدند که بر این اساس دیاگرام ارتباط مؤلفه‌های ایجاد آرامش و الگوهای مسکن



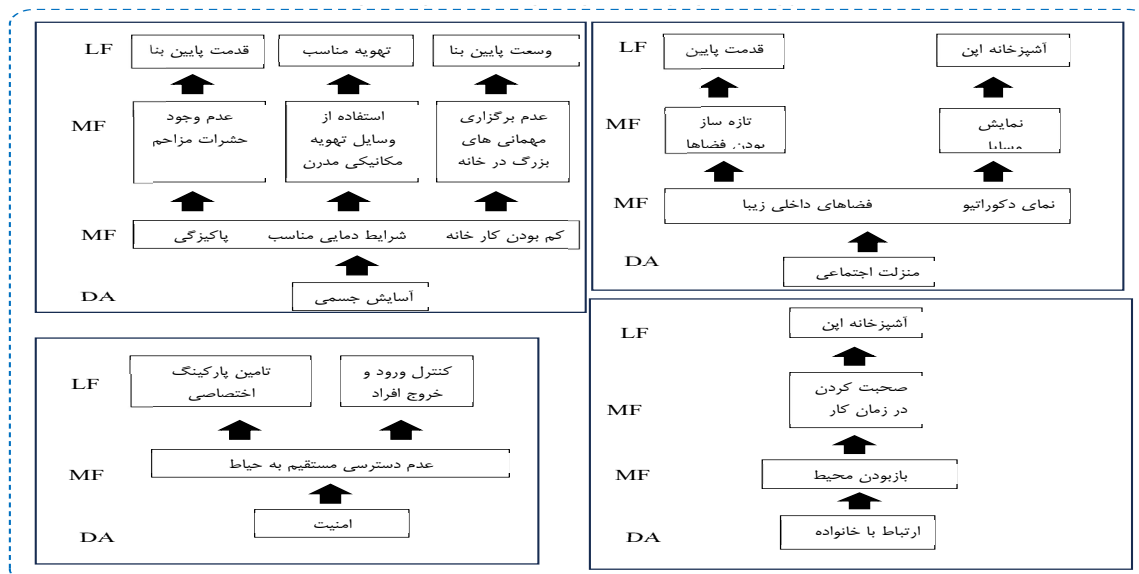
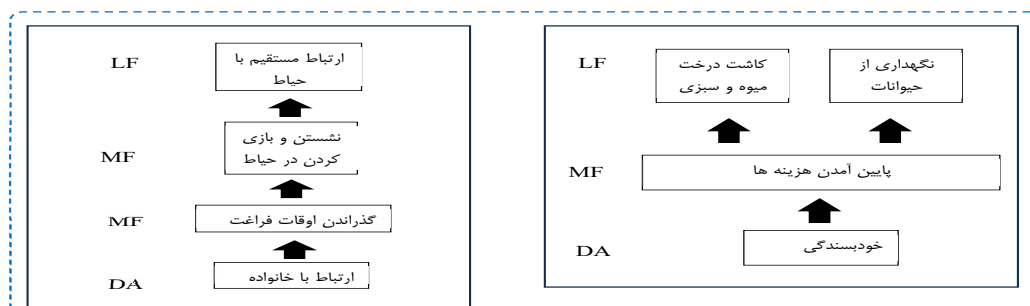
تصویر ۲- ترسیم دیاگرام عوامل مؤثر ایجاد آرامش در خانه

مهم است؟» است. سؤال «چرا» در مقابل پاسخ مصاحبه شوندگان تکرار می‌شود و این فرآیند تا زمانی ادامه می‌یابد که پاسخ دهندگان نتوانند پاسخ بیشتری به این سؤال دهند (Coolen & Hoekstra, 2001) قدم اول این فرآیند با خصوصیت‌هایی که در مرحله قبل توسط ساکنان انتخاب شده‌اند آغاز می‌شود. در ادامه، زنجیره‌های ساختار معنایی براساس مصاحبه‌ها تعیین می‌شود. ابتدا یک تحلیل محتوا روی اطلاعات گردآوری شده از مصاحبه‌ها انجام می‌شود (Krippendorff, 2018) و به شکل‌گیری مجموع‌های از زنجیره‌ها برای پاسخ دهندگان می‌انجامد. نمونه زنجیره‌های ساختار معنایی در تصویر شماره ۳ و ۴ قابل مشاهده است.

بنابر مدل ترسیم شده به نظر می‌رسد که آرامش در خانه رابطه مستقیم با مؤلفه‌های ۹ گانه معرفی شده دارد برای اثبات مدل زیر ابتدا باید به دنبال چگونگی نمود این ویژگی‌ها در خانه بود، برای این منظور از مصاحبه نردبانی استفاده شده است. مصاحبه نردبانی مرحله اصلی تحلیل و اندازه‌گیری زنجیره ساختار معنایی است. در این مرحله برای شکل‌گیری زنجیره ساختار معنایی از تکنیک مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته معروف به تکنیک نردبان (Gutman, 1982) بهره گرفته می‌شود. این تکنیک با هدف شناسایی ارتباط میان اجزای اصلی زنجیره یعنی «خصوصیات (DA)، کارکرد آشکار (MF) و کارکرد پنهان (LF)» شامل یک فرآیند مصاحبه مستقیم با طرح سؤال «چرا آن خصوصیت برای شما



تصویر ۳ - خلاصه زنجیره‌های ساختار معنا در خانه‌های مستقل حیاط‌دار



تصویر ۴ - خلاصه زنجیره‌های ساختار معنا در خانه‌های آپارتمانی

گیری آرامش) در الگوی آپارتمانی با ضریب استاندارد آسایش جسمی ۶۵ درصد، منزلت اجتماعی ۵۰ درصد، ارتباط با خانواده ۵۸ درصد، خودبستگی ۴۰ درصد، امنیت ۸۵ درصد، حریم خصوصی ۵۹ درصد، مالکیت ۳۰ درصد، اوقات فراغت ۲۷ درصد و تعلق خاطر ۱۳ درصد و در الگوی مستقل حیاطدار آسایش جسمی ۵۶ درصد، منزلت اجتماعی ۷۰ درصد، ارتباط با خانواده ۵۲ درصد، خودبستگی ۶۰ درصد، امنیت ۳۲ درصد، حریم خصوصی ۷۳ درصد، مالکیت ۱۰۰ درصد، اوقات فراغت ۶۸ درصد و تعلق خاطر ۸۲ درصد ارزشیابی شد. نتایج حاصله در جدول شماره ۵ قابل مشاهده است.

در این پژوهش بر اساس ابعاد بدست آمده از فعالیت‌هایی که توضیح داده شد، از نظریه و مدل مفهومی به سطوح ساختار معانی مسکن و خانه در رویکرد آرامش پرداخته است.

در نهایت مقوله‌ها در کدگذاری انتخابی (ارزش، آسایش جسمی، منزلت اجتماعی، ارتباط با خانواده، خودبستگی، امنیت، حریم خصوصی، مالکیت، اوقات فراغت، تعلق خاطر) جمع گردیدند.

فراوانی ارزش‌های حاصل از مصاحبه‌ها

بر اساس فراوانی حاصل از مصاحبه کیفی مشخص شد که در موضوع آرامش در خانه یعنی (فهم و درک ابعاد مختلف شکل

جدول شماره ۵ - فراوانی ارزش‌های حاصل از مصاحبه

ارزش	خانه‌های آپارتمانی	مستقل حیاطدار
آسایش جسمی	۶۵درصد	۵۶درصد
منزلت اجتماعی	۶۸درصد	۷۰درصد
ارتباط با خانواده	۵۸درصد	۵۲درصد
خودبستگی	۴۰درصد	۶۰درصد
امنیت	۸۵درصد	۳۲درصد
حریم خصوصی	۵۹درصد	۷۳درصد
مالکیت	۳۰درصد	۱۰۰درصد
اوقات فراغت	۲۷درصد	۶۸درصد
تعلق خاطر	۱۳درصد	۸۲درصد

ارامش در خانه‌های حیاطدار در شهر کرمان معنی‌دار و تأیید می‌شود.

بررسی پیش فرض‌های نرمال بودن

متغیرهای استخراج شده

قبل از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه‌ها، برای اطمینان از این که داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیربنایی آزمون‌های پارامتریک را برآورد می‌کنند، به بررسی آنها پرداخته شد.

لذا در مقایسه دو الگوی مورد نظر می‌توان گفت که آرامش در خانه در الگوی مستقل حیاطدار از درصد بیشتری برخوردار بوده است و بیشتر مورد استقبال قرار داشته است هر چند که میزان امنیت و آسایش جسمی در الگوی آپارتمانی بیشتر بوده است. میزان درصد ابعاد و ارزش‌های بدست آمده ناشی از محاسبه با آزمون تی تست مستقل دو نمونه‌ای نشان از رابطه عموم با خانه‌های مستقل حیاطدار دارد بنابراین می‌توان گفت رابطه بین افراد و ساکنین با ابعاد الگوی

از طریق آماره کلموگروف- اسمیرنف نشان می‌دهد، که برای همه متغیرهای تحقیق برحسب گروه و اندازه گیری در سطح $(P > 0/05)$ معنی دار بوده و در نتیجه بهنجار هستند .

پس از بررسی بهنجار بودن توزیع داده‌ها، از آزمون کلموگروف اسمیرنف استفاده شد تا از نرمال بودن داده‌ها اطمینان حاصل گردد. لذا طبق جدول شماره ۶، مقدار محاسبه شده نرمالیت متغیرهای تحقیق را

جدول شماره ۶ - مفروضه نرمال بودن داده‌ها برای هر متغیر به تفکیک گروه‌ها

کلموگروف- اسمیرنف			متغیر
مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معنی داری	
۰/۳۱	۵۷۰	۰/۹۵۴	آسایش جسمی
۰/۲۳	۵۷۰	۰/۲۳	منزلت اجتماعی
۰/۲۱	۵۷۰	۰/۸۹۱	ارتباط با خانواده
۰/۱۲	۵۷۰	۰/۹۷۳	خودبستگی
۰/۱۴	۵۷۰	۰/۹۵۶	امنیت
۰/۳۱	۵۷۰	۰/۹۴۲	حریم خصوصی
۰/۶۵	۵۷۰	۰/۹۶۷	مالکیت
۰/۵۲	۵۷۰	۰/۸۹۱	اوقات فراغت
۰/۰۲۱	۵۷۰	۰/۷۲۷	تعلق خاطر

حیاط دار $(M=30/22)$ می‌باشد و این تفاوت در سطح معنی داری $0/01$ معنی دار بود. در نتیجه می‌توان گفت طبق نظر پاسخگویان میزان منزلت اجتماعی در خانه‌های مستقل حیاطدار بیشتر از خانه‌های آپارتمانی است ولی از آنجا که نتایج بسیار به هم نزدیک است می‌توان گفت که در هر دو الگو این مؤلفه تامین می‌شود. آزمون تی مستقل دو نمونه‌ای در خصوص عامل ارتباط با خانواده نشان می‌دهد که میانگین ارتباط با خانواده در پاسخگویان گروه آپارتمانی $(M=30/30)$ نسبت به پاسخگویان گروه خانه مستقل حیاط دار $(M=29/50)$ بیشتر و این تفاوت در سطح معنی داری $0/01$ معنی دار بود. در نتیجه می‌توان گفت طبق نظر پاسخگویان میزان ارتباط با خانواده در خانه‌های آپارتمانی بیشتر از خانه حیاطدار بوده است ولی با توجه به تفاوت اندک در نتایج می‌توان نتیجه گرفت که در هر دوی الگوها مؤلفه‌ها تامین می‌شود. نتایج آزمون تی مستقل در خصوص عامل خودبستگی نشان

در ادامه متغیرهای استخراج شده از طریق آزمون T استیودنت دو نمونه‌ای مستقل در دو گروه (خانه‌های مستقل حیاطدار و آپارتمانی) مقایسه شدند و نتایج آن در جدول شماره ۷ و مقایسه هر کدام از عوامل در تصویر شماره ۵ و در ادامه مقایسه کلی دو الگوی مسکن مورد پژوهش در خصوص میزان نمود پذیری آرامش در تصویر شماره ۶ به تفسیر بیان شده است.

نتایج آزمون تی مستقل دو نمونه‌ای نشان داد که میانگین آسایش جسمی در پاسخگویان گروه آپارتمانی $(M=13/01)$ نسبت به پاسخگویان گروه خانه مستقل حیاطدار $(M=11/36)$ بیشتر و این تفاوت در سطح معنی داری $0/01$ معنی دار بود. در نتیجه می‌توان گفت طبق نظر پاسخگویان میزان آسایش جسمی در خانه‌های آپارتمانی بیشتر از خانه حیاطدار بوده است. همچنین این آزمون نشان دهنده این موضوع است که میانگین منزلت اجتماعی در پاسخگویان گروه آپارتمانی $(M=29/88)$ و در گروه خانه مستقل

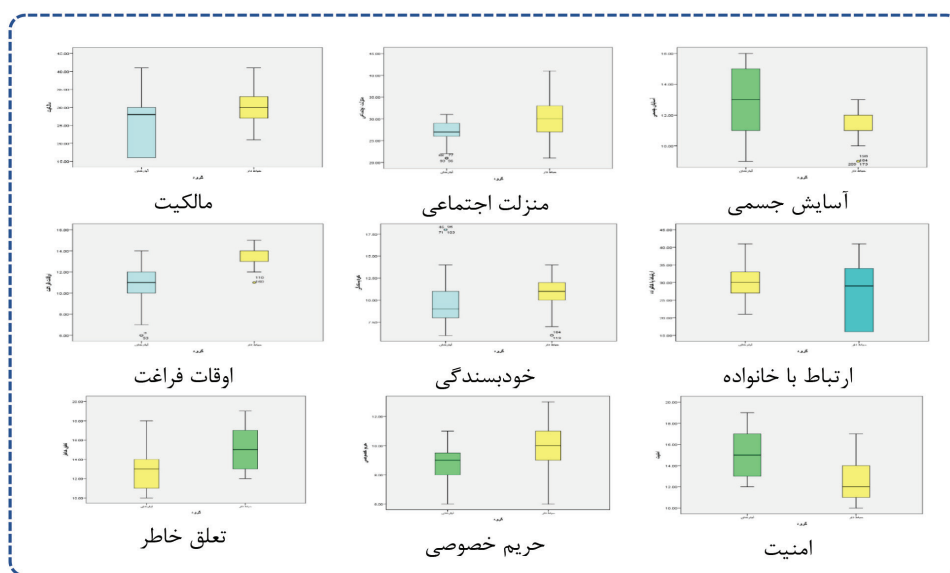
نشان داد که میانگین مالکیت در پاسخگویان گروه آپارتمانی ($M=24/97$) نسبت به پاسخگویان گروه خانه مستقل حیاط دار ($M=30/22$) کمتر و این تفاوت در سطح معنی داری $0/01$ معنی دار بود. در نتیجه می‌توان گفت طبق نظر پاسخگویان میزان مالکیت در خانه‌های حیاط‌دار بیشتر از خانه‌های آپارتمانی مورد اهمیت بوده است. همچنین نتایج آزمون تی مستقل دو نمونه ای در خصوص عامل اوقات فراغت نشان داد که میانگین اوقات فراغت در پاسخگویان گروه آپارتمانی ($M=11/07$) نسبت به پاسخگویان گروه خانه مستقل حیاط دار ($M=13/47$) کمتر و این تفاوت در سطح معنی داری $0/01$ معنی دار بود. در نتیجه می‌توان گفت طبق نظر پاسخگویان میزان اوقات فراغت در خانه‌های حیاط‌دار بیشتر از آپارتمانی بوده است. در خصوص آخرین عامل ایجاد کننده آرامش در این پژوهش یعنی عامل تعلق خاطر نیز پس از انجام آزمون مشخص شد که میانگین تعلق خاطر در پاسخگویان گروه آپارتمانی ($M=12/78$) نسبت به پاسخگویان گروه خانه مستقل حیاط دار ($M=15/16$) کمتر و این تفاوت در سطح معنی داری $0/01$ معنی دار بود. در نتیجه می‌توان گفت طبق نظر پاسخگویان میزان تعلق خاطر در خانه‌های حیاط‌دار بیشتر از آپارتمانی بوده است.

داد که میانگین خودبستگی در پاسخگویان گروه آپارتمانی ($M=9/61$) نسبت به پاسخگویان گروه خانه مستقل حیاط دار ($M=11/07$) کمتر و این تفاوت در سطح معنی داری $0/01$ معنی دار بود. در نتیجه می‌توان گفت طبق نظر پاسخگویان میزان خودبستگی در خانه‌های حیاط‌دار بیشتر از الگوهای آپارتمانی بوده است. نتایج آزمون تی مستقل دو نمونه ای نشان دهنده این مطلب است که میانگین امنیت در پاسخگویان گروه آپارتمانی ($M=15/26$) نسبت به پاسخگویان گروه خانه مستقل حیاط دار ($M=12/54$) بیشتر و این تفاوت در سطح معنی داری $0/01$ معنی دار بود. در نتیجه می‌توان گفت طبق نظر پاسخگویان میزان امنیت در خانه‌های آپارتمانی بیشتر از خانه حیاط‌دار بوده است. در خصوص عامل حریم خصوصی به عنوان یکی از عوامل ایجاد کننده آرامش با انجام آزمون تی دو نمونه ای این نتیجه حاصل شد که میانگین حریم خصوصی در پاسخگویان گروه آپارتمانی ($M=8/94$) نسبت به پاسخگویان گروه خانه مستقل حیاط دار ($M=9/86$) کمتر و این تفاوت در سطح معنی داری $0/01$ معنی دار بود. در نتیجه می‌توان گفت طبق نظر پاسخگویان میزان حریم خصوصی در خانه‌های حیاط‌دار بیشتر از آپارتمانی بوده است. همچنین نتایج آزمون تی مستقل دو نمونه ای

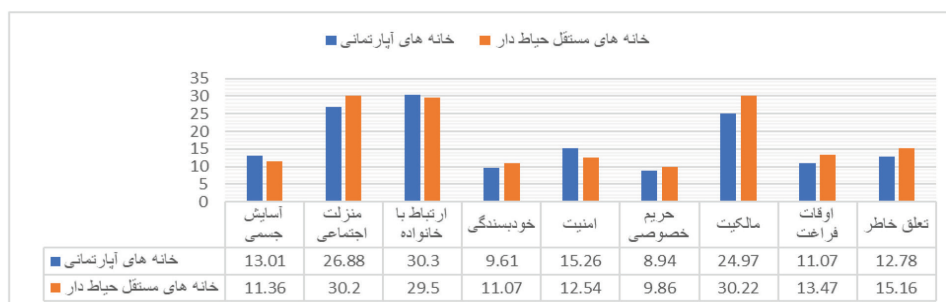
جدول شماره ۷ - مربوط به آزمون دو نمونه‌ای مستقل جهت بررسی تفاوت آسایش جسمی بر حسب گروه

متغیر	آزمون	تعداد	میانگین	df	T	F	سطح معنی داری
آسایش جسمی	آپارتمانی	۲۸۵	۱۳/۰۱	۲۱۴	۷/۴۳۱	۲۲/۲۱	۰/۰۰۱
	حیاط‌دار	۲۸۵	۱۱/۳۶				
منزلت اجتماعی	آپارتمانی	۲۸۵	۲۹/۸۸	۲۱۴	۵/۸۹۳	۲۶/۷۰	۰/۰۰۱
	حیاط‌دار	۲۸۵	۳۰/۲۲				
ارتباط با خانواده	آپارتمانی	۲۸۵	۳۰/۳۰	۲۱۴	۵/۲۱۹	۷۴/۱۳	۰/۰۰۱
	حیاط‌دار	۲۸۵	۲۹/۵۰				
خودبستگی	آپارتمانی	۲۸۵	۹/۶۱	۲۱۴	۴/۷۳۹	۱۲/۵۳	۰/۰۰۱
	حیاط‌دار	۲۸۵	۱۱/۰۷				
امنیت	آپارتمانی	۲۸۵	۱۵/۲۶	۲۱۴	۰/۸۶۹	۰/۰۷	۰/۰۰۱
	حیاط‌دار	۲۸۵	۱۲/۵۴				

متغیر	آزمون	تعداد	میانگین	df	T	F	سطح معنی داری
حریم خصوصی	آپارتمانی	۲۸۵	۸/۹۴	۲۱۴	۳/۳۵۱	۱۹/۱۶	۰/۰۰۱
	حیاط دار	۲۸۵	۹/۸۶				
مالکیت	آپارتمانی	۲۸۵	۲۴/۹۷	۲۱۴	۴/۳۳۷	۵۱/۷۹	۰/۰۰۱
	حیاط دار	۲۸۵	۳۰/۲۲				
اوقات فراغت	آپارتمانی	۲۸۵	۱۱/۰۷	۲۱۴	۸/۳۸۰	۱۳/۹۱	۰/۰۰۱
	حیاط دار	۲۸۵	۱۳/۴۷				
تعلق خاطر	آپارتمانی	۲۸۵	۱۲/۷۸	۲۱۴	۸/۵۶۹	۰/۱۵۸	۰/۰۰۱
	حیاط دار	۲۸۵	۱۵/۱۶				



تصویر شماره ۵ - مربوط به آزمون دونمونه‌ای و مقایسه عوامل ایجاد کننده آرامش



تصویر شماره ۶ - مربوط به آزمون دونمونه‌ای و مقایسه عوامل ایجاد کننده آرامش

قرار گرفته است. این موضوع در ارتباط با خانه‌های معاصر که ساکنین آن به خاطر مشکلات متعدد زندگی شهرنشینی، خانه را بیش از همیشه به عنوان مکانی برای استراحت و آرامش قلمداد می‌کنند، از اهمیت

نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین کارکردهای خانه، ایجاد آرامش برای ساکنین آن است و این در حالی است که چگونگی حصول این معنا در خانه، به ویژه در حوزه معماری مورد بررسی

سنتی، فصلنامه پژوهش معماری اسلامی، شماره یازدهم، تابستان.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۷) لسان العرب، بیروت، دارالبیروت.

اشرف صادقی، علی (۱۳۹۲) فرهنگ جامع زبان فارسی، تهران فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی.

بهشتی‌پور، محسن (۱۳۸۴) روح، روان، احساس، جسم، ایجادتعداد و هارمونی، جلد ۳، تهران، انتشارات اجتماع- تفسیر نمونه.

جوشن، رویا (۱۳۹۰) طراحی مجتمع آپارتمانی در یزد با تاکید بر مفهوم آرامش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد.

حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸) خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

حیدری، علی اکبر (۱۳۹۳) معنای خانه: مقایسه تطبیقی معنای خانه در دو الگوی آپارتمانی و مستقل حیاط دار، رساله دکتری معماری، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) فرهنگ دهخدا، جلد دهم، تهران، چاپ گستر.

رضایی خبوشان ر، نعمتی مهر م (۱۳۹۴) سنجش کیفیت محیط مسکونی در برنامه مسکن مهر براساس نشانگری کیفیت زندگی، نشریه صفا، دوره ۲۵، صص ۵۳-۷۰.

فرانکل، ویکتور امیل (۱۹۹۹) انسان در جست‌وجوی معنا، مترجم اکبر معارفی، تهران، دانشگاه تهران.

فراهیدی، خلیل، (۱۴۰۹) فرهنگ جامع لغات عرب، قم، دارالهجره.

قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، (۱۳۶۱) تهران، دارالکتاب اسلامی.

ویژه‌تری برخوردار است. بر همین اساس در این پژوهش، چگونگی نمودپذیری آرامش در دو الگوی رایج خانه‌های معاصر شامل خانه‌های آپارتمانی و خانه‌های مستقل حیاطدار مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور آرامش به عنوان یک معنای سطح بالا در خانه در نظر گرفته شد، از آنجایی که آرامش یک امر نسبی است و با توجه به شرایط مکانی، زمانی و عوامل دیگر متفاوت است، ابتدا با توجه به موضوع پژوهش عوامل ایجاد کننده آرامش منحصر در خانه استخراج شد و تحت عناوین «آسایش جسمی، منزلت اجتماعی، ارتباط با خانواده، اوقات فراغت، تعلق خاطر، حریم خصوصی، مالکیت، خودبستگی و امنیت» به عنوان شاخص‌های مفهوم آرامش در نظر گرفته شد به این معنا که با برطرف شدن هر یک از این نیازها در خانه، ساکنان آن خانه احساس آرامش می‌کنند. در قدم بعد برای استخراج میزان پاسخگویی خانه‌ها به این نیازها، ارتباط بین آنها کشف شد. می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که مؤلفه‌های «آسایش جسمی، و امنیت» در خانه‌های آپارتمانی، مؤلفه‌های «حریم خصوصی، تعلق خاطر، گذرانیدن اوقات فراغت، خودبستگی و مالکیت» در خانه‌های مستقل حیاطدار، و مؤلفه‌های «منزلت اجتماعی و ارتباط با خانواده» پاسخ داده می‌شود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت آرامش روانی در خانه‌های مستقل حیاطدار به مراتب بیشتر از خانه‌های آپارتمانی تامین می‌شود و آسایش جسمی در خانه‌های آپارتمانی بیشتر از خانه‌های مستقل حیاطدار است.

منابع

آصفی مازیار و الناز ایمانی (۱۳۹۵) بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی - اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های

- Green - T. C. (1982) Thermal Stress: Psychological, Comfort, Performance, and Social Effects Of Hot and Cold Environments. Environmental Stress, Cambridge University Press, 75-105.
- Kaplan R. & Kaplan S. (1982) Cognition and Environment, New York, Praeger.
- (1989) The Experience of Nature, New York, Cambridge.
- Kripke, D. F., Rische, S. C. & Janowsky, D. (1983) Bright White Light Alleviates Depression. Psychiatry Research 10, 105-112.
- Lang, J, (1994) Creating Architectvural Theory:the role of bahavior sciences inenvironment , London:Von Nostrand Reinhold.
- Mehrabian, A. (1987) The Three Dimensions of Emotional Reaction. Psychology Today, 10 (3), 57-61.
- Moore, Ch; Allen, G; Lydon, D. (1974) The Place of House, New Yourk: Holt.
- Newman O. (1972) Creating defensible space. London :The Architectural Press.
- P. A. 1982. Physiological, Comfot, Performance, And Social Effects Of Heat Stress. Journal of Social Issues, 37, 71-94.
- Rapoport A. (2005) Culture , Architecture, and Designe. Locke science publishing company , Inc.
- Form and Design , Pergamon.
- Venolia, C. (1988) Healing Environments: Your Guide to Indoor Well-Being. Berkeley: Celestial Arts..
- Veitch, J. A., Gifford, R., Hine, D. W. (1991) Demand Characteristics and Full Spectrum Lighting Effects on Performance and Mood. Journal of Environmental Psychology, 11, 87-95.
- مارشال ریو، جان (۱۳۹۸) انگیزش و هیجان، مترجم مهدی گنجی، تهران، ساوالان.
- مسافری، شبنم (۱۳۹۵) روش‌های طراحی برای ایجاد آرامش در خانه‌ها (مطالعه موردی: خانه‌های شهر تبریز)، امارات (دبی)، کنگره بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی معاصر جهان.
- مکارم شیرازی ن (۱۳۷۵) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب اسلامیه.
- معین، محمد (۱۳۸۸) فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر.
- ویس کریمی، مهرداد (۱۳۸۹) بررسی تطبیقی آرامش روانی در روانشناسی با اطمینان قلبی در قرآن کریم، قم، فصلنامه مطالعات تفسیری سال اول، شماره ۴.
- Brown B, Werner C. (1985) Social Cohesiveness, Territoriality, and Holiday Decorations: The Influence of Cul-de-Sacs. ". Environment and Behavior Journal. 17, no 5. 537- 546.
- Coolen, H. (2001) The Meaning of Dwellings: An Ecological Perspective. Housing, Theory and Society, 23, 185-201.
- Day C. (2002) Spirit and Place: Healing our Environment. Oxford: Architectural Press.
- (2004) Places of the Soul: Architecture and Environmental Design as healing Art. Oxford: Architectural Press.
- Evans G. W & McCoy J. M. (1998) When Buildings Don't Work: The Role of Architecture in Human Health. Journal of Environmental Physiology.
- Evans G. W. (2003) The Built Environment and Mental Health. Journal of Urban Health: Bulletin of the New York Academy of Medicine